



نشریه علمی علم و تمدن در اسلام

سال سوم (دوره جدید) / شماره دهم / زمستان ۱۴۰۰



20.1001.1.26764830.1400.3.10.5.7

اثرگذاری تمدن اسلامی بر استفاده از تکنولوژی و فناوری در عصر اطلاعات

علی نجات بخش اصفهانی^۱ / اسید علی قریشیان^۲

(۹۸-۱۱۹)

چکیده

تمدن و تمدن سازی از قدیم دارای تاریخی با فراز و نشیب های فراوان بوده و تکنولوژی آن را دست خوش تغییرات شکلی و هویتی کرده است. تمدن اسلامی از برجستگی های مادی و معنوی ویژه ای برخوردار است. کشور ما نظام اسلامی را با الگوگیری از ویژگی های تمدن اسلامی و به برکت مجاهدات رهبری فقیدمان ایجاد کرد. اگر به تمدن اسلامی نگاهی تاریخی داشته باشیم، علیرغم کوشش حاکمان و زمامداران مصلح، دست استعمارگران با استفاده از ابزار فناوری و تکنولوژی غیرسازنده، تبلیغات مخرب و تهاجم فرهنگی با ترویج سبک زندگی تخریب گرایانه به دنبال استحاله این تمدن و نظام است. مسئله اصلی تحقیق این است که شجره طویه، تمدن سازی اسلامی را حیات طویه ای می دهد که با پیوند معنوی و سالم تکنولوژی، زندگی دنیوی و اخروی مسلمانان را ارتقا داده و از توطئه ها و رذیلت های تمدن غرب جلوگیری می کند و از ترویج فساد به وسیله فناوری ناسالم، که چالشی در سطح جامعه و سبک زندگی اسلامی است، ممانعت به عمل می آورد. سؤال تحقیق، میزان اثرگذاری تمدن اسلامی در استفاده از تکنولوژی و فناوری در عصر اطلاعات است. روش تحقیق توصیفی و تحلیل محتوا براساس مطالعه میدانی است. محققین ضمن بررسی شوک آینده و تأثیرات فناوری های غیر سازنده، ضرورت اخلاقی شدن تکنولوژی و پیوند آن را با اخلاق و تمدن اسلامی بررسی کرده و با ارائه مدل محقق ساخته با مشخص کردن اثرات تمدن اسلامی بر فناوری با الهام گیری از شجره طویه اثرات فوق را تبیین و راهبردهای آسیب شناسانه را از این موضوع ارائه می نمایند.

واژه های کلیدی: تمدن اسلامی، حیات طویه، سبک زندگی، تکنولوژی و عصر اطلاعات.

۱. دانشیار گروه مدیریت، دانشکده مدیریت، اقتصاد و حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

s.a.ghoreyshyan@gmail.com

۲. مربی گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. hany.orveh@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۵ نوع مقاله: ترویجی

مقدمه

هر مکتب و مذهبی، سبک زندگی خاصی برای بشر ارائه می‌دهد و مدعی است، جامعه مطلوب و زندگی سالم در نتیجه پیروی از نوع و روش زندگی است که ارایه می‌نماید. حقیقت این است وقتی سخن از سبک زندگی اسلامی و حیات طیبه به میان می‌آید، دو موضوع چستی سبک زندگی و آفت‌های عدم پیروی از سبک زندگی صحیح نیز مطرح می‌شود. ظهور تکنولوژی‌های نوین در عصر حاضر با لحاظ تحولاتی که همراه آن بوجود آمده است، بسیاری از کارکردهای عوامل تاثیرگذار در سبک زندگی از جمله خانواده‌ها را تحت تأثیر قرار داده است. امروزه با هجوم شبکه‌های ماهواره‌ای، ارتباطی و اجتماعی، که معلول و زائیده تکنولوژی هستند، بنیان‌های اعتقادی و اخلاقی فرهنگ‌های غنی نشانه گرفته شده و همچنین، غلبه اندیشه‌های مادی‌گرایانه و غیردینی بر زندگی باعث شده که زندگی هر روز از معنای اصلی خود به سوی معناهای نمادی و ساخته شده مبتنی بر همین تفکرات، گرایش پیدا کند. محققین در مطالعه مقطعی از تاریخ به مواردی از زندگی انبیا از جمله زندگی حضرت سلیمان نبی ۷ برخورد کرده‌اند که در ساختن معابد و مساجد و تمدن سازی نقش محوری ایفا نموده است. (الویری و مهدی نژاد، ۱۳۹۲: ۱۹۱)

استفاده از تکنولوژی پیشرفته در ابعاد گوناگون جغرافیایی، طراحی، معماری و استفاده از عناصر غیرطبیعی در ایجاد تمدن و اقدامات وسیع حکومتی و به‌کارگیری ابزار و تکنولوژی پیشرفته امواج استفاده از عناصر غیرانسانی و قدرت ماورایی و اعمال ولایت بر جنیان و بهائم و فرمان‌روایی بر باد و زمین و تصرف بر عالم طبیعت و ماورای عالم طبیعت برای ایجاد تمدنی متعالی و غیرقابل دسترس برای ابنای بشر و خلق کارهای بدیع، همگی از نقش آن پیامبر در تمدن‌سازی پرده برمی‌دارد. (پیمان، ۱۳۴۰: ۲۵۳-۲۵۲)

در کلام الله مجید آمده است: «خدا [رتبه] کسانی از شما را که به دین گرویده و کسانی را که دانشمندند [بر حسب] درجات بلند گرداند و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است». (مجادله: ۱۱) با اندک دقتی در مضامین آیات، روایات، احادیث و مفاهیم مرتبط با علم و استفاده از تکنولوژی، به‌صورت برجسته مشهود است که جایگاه عالمان، مقام بلند و رفیعی است و علم نافع بر علم مخرب برتری دارد. در کتاب بحار جلد ۵۴ تا ۶۳ به شکل مفصل موارد متعددی از اهمیت و جایگاه علم و فناوری آورده شده است و در اصول کافی، موضوع کتاب اول را علم و جهل تشکیل می‌دهد.

حضرت سلیمان براساس قول امام رضا (ع) از ساخت زره برای امرار معاش استفاده می‌کرده که این یک فعالیت صنعتی محسوب می‌شود. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۷۴)؛ از طرفی یکی از شاخصه‌های اساسی فرآیند تمدن سازی اسلامی تولید علم، پیشرفت و تکنولوژی است. حضرت علی ۷ در نهج البلاغه آورده‌اند: مردم سه دسته‌اند: دانشمندِ ربّانی، طالبِ علم در مسیر نجات و رستگاری، و نابخردان بی سر و پایی که در پی هر بانگی به راه می‌افتند و با هر بادی به سویی می‌گرایند، از نور دانش روشنایی نمی‌گیرند و به پایگاه استواری پناه نمی‌جویند. (نهج البلاغه، کلمات قصار: ۱۴۷) در سیره حضرت داود (ع) لباس رزم و ساخت زره های آهنین و آموزش فنون نظامی و تجهیزات و تسلیحات دفاعی مشاهده می‌شود، قرآن در این مورد می‌فرماید: «وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَّكُمْ لِيُحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ...» (انبیا: ۸۰) تولید لباس و زره، به‌ویژه با عنایت به جمله «لِيُحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ» که عنوان حصن، دژ و سپر مطرح شده، بیشتر گویای حقیقت تولید ابزار و ادوات پدافندی و استفاده از علم و فناوری است.

همچنین حضرت ابراهیم و اسماعیل (ع) پس از تجدید بنای کعبه، دست به دعا برداشتند و از خداوند خواستند که پیامبرانی در میان فرزندان‌شان برانگیزد تا آیات الهی و کتاب و حکمت را به آنان تعلیم دهند و مردم را تزکیه کنند، از این رو آن دو بر کتاب و حکمت که از ارکان تمدن هست، تأکید دارند. همچنین می‌توان به اقدامات تمدن‌ساز یوسف صدیق ۷ و برنامه‌ریزی او برای تولید و مقابله با قحطی و خشکسالی و آینده‌نگری وی اشاره نمود، که مجموعه اقدامات آن حضرت خود از کتاب بزرگ برنامه‌ریزی، تقدیر، تدبیر، سیاست‌گذاری، مردم‌داری، انسجام، آینده‌نگری و تدابیر حکیمانه رونمایی می‌کند. (محمدی، ۱۳۹۹: ۱۲۷-۱۲۵)

غرض از ذکر این مختصر آن است که مسلمین زمانی می‌توانند آقایی و سیادت جهان را برعهده گیرند که از منظر علمی و با نگاه اجتهادی دارای تمدنی سرشار از تعالیم اسلامی پویا و به دور از کجی و انحراف باشند و نه تنها در توسعه علم در جامعه بکوشند بلکه با حرکتی شکوفا و تحول آفرین در تعامل میان تکنولوژی و تمدن اسلامی به مسیر دانش بشری و نهادهای علمی از طریق تمدن اسلامی اعتلا بخشند.

در همین راستا، مقاله حاضر تلاش دارد به تبیین فرضیه اصلی بپردازد که به این قرار است: غایت و فرجام تمدن نوین اسلامی ناظر بر شکوفایی و پویایی شجره طیبه است که تحقق آن نیازمند پیشران‌های متنوعی در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اعتقادی خواهد بود. همچنین برخی از یافته‌های مقاله نشان می‌دهند که حیات طیبه تمدن اسلامی در سایه شجره طیبه برای تحقق، نیازمند مولفه‌هایی

نظیر: اصل توحید، معاد، وحدت، علم و فناوری، نظم، گسترش اخلاق، استقرار عدالت، دین مداری، تقوی، کرامت انسانی و ... است. حال که پیشینه تاریخی به کارگیری تکنولوژی و فناوری مورد بحث قرار گرفت، شایسته است تأثیر تمدن اسلامی در استفاده از این تکنولوژی‌ها نیز مورد واکاوی قرار گیرد تا ضمن تمرکز بر بحث اصلی، جایگاه تکنولوژی و فناوری در تمدن اسلامی تبیین شود.

تعریف و مفهوم تمدن

این واژه از اصل واژه عربی «مدینه» گرفته شده و به معنای اقامت در شهر و خو گرفتن به اخلاق مردم آن به کار رفته است. (مصطفوی، ۱۳۹۹، ج ۱: ۵۵) ابن خلدون با تعبیرهای «عمران بدوی» و «عمران حَضَری» بادیه‌نشینان را مانند شهرنشینان دارای تمدن دانسته است، گرچه در نوع، چگونگی و درجات تفاوت داشته باشند. برخی آن را ناظر بر جنبه علمی و عینی یا به عبارتی در سطح حوائج مادی انسان در جامعه تعریف می‌کنند و به حاصل تعالی فرهنگی و پذیرش نظم اجتماعی یا به قول ابن خلدون عمران یافتن (و اجتماعی شدن) تمدن می‌گویند.

آلمان‌ها فرهنگ را مقدمه تمدن شمرده و می‌گویند اگر فرهنگ از درون تکامل یابد، به نهادهای اجتماعی (شهرپذیری و تمدن) تبدیل می‌شود. در نگاه اشپنگلر آلمانی فرهنگ «culture» مرحله جوانی و شکوفایی و تمدن «civilization» دوره پیری، رکود و دستاوردهای مادی است. به این معنا که جوامع متمدن ابتدا موجد فرهنگ غنی و پیچیده‌ای می‌شوند، ولی در اوج خود دچار تصلب شده، به شکل متحجر تمدن درآمده به امپراتوری عظیمی تبدیل می‌گردند و فرهنگ محبوس در پشت دیوارهای تمدن پژمرده شده و به تدریج می‌میرد. در اثر این مرگ، تمدن‌های عظیم از درون پوک می‌شوند و فرو می‌ریزند. (مکی، ۱۳۸۳: ۲۳)

انگلیسی‌ها فرهنگ و تمدن را یکی می‌دانند. هانتینگتون نیز با اعتقاد به این که تمدن تمامیتی فرهنگی دارد، جدایی آن را از تمدن رد کرده و گفته است که تمدن همان فرهنگ است در ابعادی گسترده‌تر و به تعبیری تمدن گسترده‌ترین واحد مستقل فرهنگی است. (هانتینگتون، ۱۳۷۵: ۶۱) دوران تمدن را شامل مجموعه اندوخته‌های معنوی و مادی در طول تاریخ انسان می‌داند و آن را نظامی اجتماعی تعریف می‌کند که با وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان‌پذیر شده و جریان پیدا می‌کند. در باور او تمدن، انسان را به فکر ایجاد مدینه و شهر می‌اندازد و در شهر است که روح اختراع، وسیله آسایش را فراهم می‌سازد و عقل مردم بارور می‌شود. (دورانت، ۱۳۸۴: ۳)

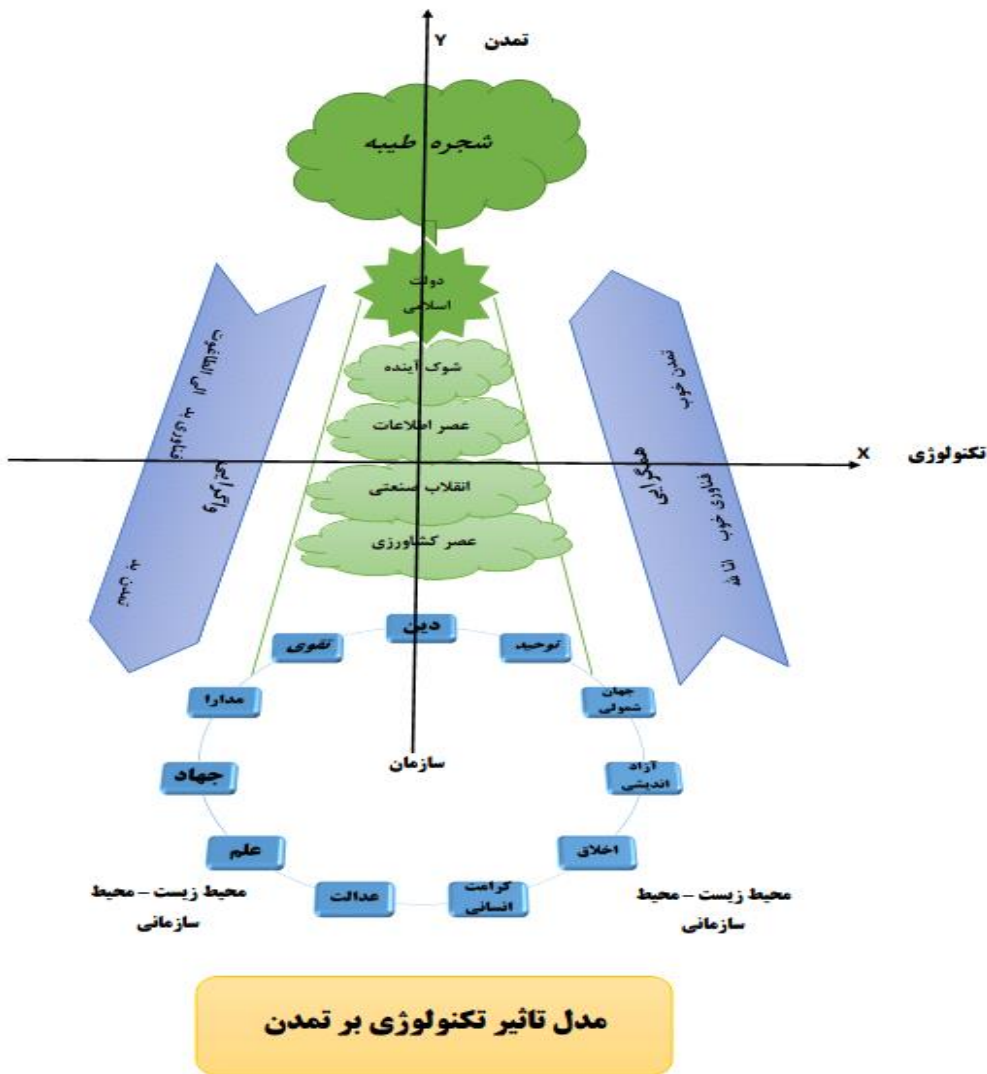
بنابر رویکردها و تعاریف، واژه‌های فرهنگ و تمدن، با معانی مختلف و مرتبط گاهی چنان به هم نزدیک می‌شوند که مترادف هم قرار می‌گیرند و گاه متفاوت و دارای رابطه عام و خاص هستند، به گونه‌ای که فرهنگ بیان‌گر شیوه زندگی يك ملت مشخص و محیط فکری، فلسفه و جهان‌بینی آن است. پذیرش هر کار فرهنگی سبب ورود به مرحله تمدنی است. از این‌رو، فرهنگ بخشی از تمدن و تمدن به معنای فرهنگ و تمدن است. زیرا فرهنگ فراگیرتر است. (آشوری، ۱۳۷۹: ۱۱۴)

هر تمدنی برای خود غایت و اهدافی را ترسیم می‌نماید و در این مسیر، تمدن اسلامی دارای عاقبتی است که براساس ادبیات قرآنی از آن به عنوان حیات طیبه در پرتو شجره طیبه یاد می‌شود. حیات طیبه تمدنی ناظر بر پیشرفت و تعالی دو جانبه جامعه انسانی در عرصه‌های مادی و روحانی است و برای رسیدن به حیات پاکیزه و طاهر در فرایند تمدن اسلامی نیازمند تربیت الهی به منظور کسب عزت و قدرت ملی برای جامعه تمدن ساز است. فرهنگ‌های پیشرو با ارائه عناصر تمدن‌ساز، انگیزه بخش و غایت آفرین، نقشی اساسی در خلق تمدن‌های بشری را بر عهده دارند. در این میان، فرهنگ پیشرو تشیع به عنوان عامل بسترساز در پیروزی انقلاب اسلامی، در مرحله تمدن سازی نیز از قابلیت‌های بسیاری برخوردار است. (شجاعی، ۱۳۹۵: ۷۱)؛ به همین دلیل است که خیلی از متفکران، با در نظر گرفتن ابعاد مادی و معنوی برای تمدن، تمدن اسلامی را جامع‌ترین تمدن‌ها دانسته‌اند. (زمانی‌محبوب، ۱۳۹۵: ۱۳۵)

در عصر حاضر، تکوین تمدن نوین اسلامی یکی از اساسی‌ترین موضوعاتی است که ذهن بسیاری از اندیشمندان در داخل و خارج کشور را به خود مشغول کرده است. (فرمینی، ۱۳۹۵: ۸۳) در این میان تکنولوژی به عنوان یکی از پیشران‌های مهم تمدن بشری در تحقق جامعه آرمانی می‌تواند نقش مهمی ایفا نماید. اگر پیشرفت همه‌جانبه را به معنای تمدن‌سازی نوین اسلامی بدانیم و هدف انقلاب اسلامی - که ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است - را مد نظر قرار دهیم، دو بخش؛ حائز اهمیت است: بخش ابزاری و بخش متنی. بخش ابزاری عبارت است از: ارزش‌هایی که امروز به عنوان پیشرفت کشور مطرح است: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی و بخش متنی یا سبک زندگی آن چیزهایی است که متن زندگی انسان را تشکیل می‌دهد.

چهارچوب مفهومی و نظری

باتوجه به ابعاد مختلف مدل طراحی شده زمینه تحقق تمدن نوین اسلامی و رسیدن به حیات طیبه که آرمان تمدن اسلامی است، بررسی آثار آن بر تکنولوژی و فناوری مطرح نظر است که در این تحقیق با طراحی مدل مفهومی مورد نظر به دنبال آن هستیم، اثرات تمدن اسلامی بر فناوری را بررسی و مولفه‌های آن را شناسایی کنیم و با الهام‌گیری از شجره طیبه اثرات فوق را تبیین و راهبردهای آسیب شناسانه موضوع را ارائه نماییم.



علم، فناوری و تکنولوژی از موضوعاتی است که در دوران و اعصار بنا به پیشرفت نوع ابزاری که توسط انسان‌ها اختراع می‌شده است، تاریخچه گسترده‌ای به درازای ادوار تاریخ بشری دارد. (ولاسیچ، ۱۳۹۸: ۴۰۹) لذا با توجه به مدلی که محققین برای تأثیر تمدن و تکنولوژی طراحی نموده‌اند به صورت مختصر به ذکر این دوران‌ها می‌پردازیم. تاریخ بشر توسط یک رشته پیوسته و تدریجی از اکتشافات، نوآوری‌ها و تغییرات در سبک زندگی و شیوه زیست آدمی شکل گرفته است. همچنین این تاریخ شامل جهش‌ها و انقلاب‌هایی است که دوره‌های جدیدی در تاریخ بشری ایجاد کرده‌اند. دوره‌هایی که با عناوین کشاورزی، صنعتی و اطلاعاتی نامیده شده‌اند. انقلاب کشاورزی یکی از نقاط عطف تاریخ است. طی سالیان بسیار طولانی پیش از انقلاب کشاورزی، انسان‌ها به طور کلی به عنوان عشایر شکارچی - گردآورنده زندگی می‌کردند. جوامع شکارچی - گردآورنده تمایل داشتند همچنان در گروه‌های کوچک باقی بمانند و به تساوی کامل انسان‌ها اعتقاد داشتند. تأمل در دوره‌های زمانی از عصر حجر گرفته تا عصر کشاورزی، عصر انقلاب صنعتی و عصر اطلاعات نشان‌دهنده تغییر و تحولات تمدن انسانی در اعصار گوناگون است که متناسب با علم بشری این تحولات قابل بررسی و پایش است.

شوک آینده

آینده برای بشر امروز در موارد بسیاری دیگر تداوم گذشته نیست. گسست‌های پی‌درپی و گسترده، پیوند انسان معاصر را با گذشته‌اش گسیخته و از حد ظرفیت آدمی برای تحمل تغییرات فراتر می‌رود. تافلر معتقد است بشر دچار بیماری تغییر شده چراکه نمی‌تواند خود را با سرعت تغییر محیط پیرامونش تطبیق دهد. گرچه پاره‌ای از این تغییرات گریز ناپذیرند اما بخشی از آنها هدایت نشده و بیهوده‌اند. تافلر رسالت انسان و جامعه معاصر را شناخت و هدایت تغییرات برای حفاظت بشر در برابر شوک آینده می‌داند و می‌پرسد که در این دنیای ناپایدار پدیده‌های گذرا، کدام ستون محکم می‌تواند ما را در برابر سیلاب آینده حفظ کند.

شجره طیبه و شجره خبیثه

انسان‌ها فرهنگی مشترک به نام فطرت الهی دارند، لیکن در هوشمندی و استعدادهای فکری و ذهنی یکسان نیستند، بلکه: «الْأَنسُ مَعَادِنُ كَمَعَادِنِ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ.» (کاشانی، ۱۳۶۹، ج ۲۶: ۵۱۰) کتابی

که جهان شمول است باید معارف فطری را با روش‌های متفاوت و در سطوح متعدد تبیین کند تا هیچ محقق‌ی به بهانه سطحی بودن مطلب خود را از آن بی‌نیاز نپندارد و هیچ ساده‌اندیشی به بهانه پیچیدگی و عمیق بودن معارف خود را از آن محروم نبیند.

در این باره قرآن کریم می‌فرماید: «آیا ندیدی چگونه خداوند کلمه طیبیه (و گفتار پاکیزه) را به درخت پاکیزه‌ای تشبیه کرده که ریشه آن (در زمین) ثابت و شاخه آن در آسمان است؟! میوه‌های خود را در هر زمان به اذن پروردگارش می‌دهد، و خداوند برای مردم مثل‌ها می‌زند شاید متذکر شوند (و پند گیرند) و (همچنین) «کلمه خبیثه» را به درختی ناپاک تشبیه کرده که از زمین برکنده شده و قرار و ثباتی ندارد.» (ابراهیم: ۲۶-۲۴)

در آیات فوق که از جمله زیباترین و شیواترین مثل‌های قرآنی است، ایمان و کفر و فواید و آثار آن در زندگی بشر در قالب تصاویر بدیعی به زیبایی تمام ترسیم گردیده است. بنابر اعتقاد مفسرین مقصود از کلمه طیبیه در این تمثیل، همان اصل توحید و خداشناسی است که در زمین روح مؤمن روئیده و سایر عقاید حقه براساس آن و روی آن تنه، جوانه می‌زند و فضایل اخلاقی هم از آن جوانه‌ها منشعب می‌شود و همچنین اعمال صالحه به صورت میوه از آنها سر می‌زند. این درخت پاک است و طیب، اما از چه نظر؟ چون انگشت روی هیچ قسمتی نگذاشته نشده، مفهومش این است که از هر نظر منظره‌اش پاکیزه، میوه‌اش پاکیزه، شکوفه و گلش پاکیزه، سایه‌اش پاکیزه و نسیمی که از آن برمی‌خیزد نیز پاکیزه است. این شجره دارای نظام حساب شده‌ای است. ریشه‌ای دارد و شاخه‌هایی و هر کدام مأموریت و وظیفه‌ای دارند. اصولاً وجود اصل و فرع در آن، دلیل بر حاکمیت نظام حساب شده‌ای بر آن است. اصل و ریشه آن ثابت و مستحکم است. به طوری که طوفان‌ها و تندبادها نمی‌تواند آن را از جا برکنند. «أَصْلُهَا ثَابِتٌ»

شاخه‌های این شجره طیبیه در یک محیط پست و محدود نیست، بلکه آسمان جایگاه اوست. «وَقَوْعُهَا فِي السَّمَاءِ»

این شجره طیبیه پربار است، نه همچون درختانی که میوه و ثمری ندارند. بنابراین مولّد هستند. «تُؤْتِي أُكْلَهَا»

اما نه در یک یا دو فصل، بلکه در هر فصل، یعنی هر زمان که دست به سوی شاخه‌هایش دراز کنی محروم بر نمی‌گردد. «كُلَّ حِينٍ»

میوه دادن او نیز بی حساب نیست بلکه مشمول قوانین آفرینش است و طبق یک سنت الهی به اذن پروردگارش این میوه را به همگان ارزانی می‌دارد.. «بأذن ربّها»

اکنون درست بیندیشیم و ببینیم این ویژگی‌ها و برکات را در کجا پیدا می‌کنیم؟ مسلماً در کلمه توحید و محتوای آن، در یک انسان موحد و با معرفت و در یک برنامه سازنده و پاک، اینها همه متحرک، روینده و پوینده هستند، همه دارای ریشه‌های محکم و ثابتند، همه دارای شاخه‌های فراوان و سر به آسمان کشیده و دور از آلودگی‌ها و کثافات جسمانی و همگی فیض بخش و پر ثمرند. هرکس به کنار آنها بیاید و دست به شاخسار وجودشان دراز کند در هر زمان که باشد از میوه‌های لذیذ و معطر و نیرو بخش‌شان بهره می‌گیرد. مردان بزرگ و با ایمان، این کلمات طّیبه پروردگار، حیاتشان مایه برکت است، مرگشان موجب حرکت، آثار آنها و کلمات و سخنانشان و شاگردان و کتاب هایشان و تاریخ پر افتخارشان و حتی قبرهای خاموش‌شان همگی الهام بخش، سازنده و تربیت کننده است. اما از آنجا که یکی از بهترین راه‌ها برای تفهیم مسائل، استفاده از روش مقابله و مقایسه است، بلافاصله نقطه مقابل - شجره طّیبه - را در آیه بعد چنین بیان می‌کند: مثل کلمه خبیثه و ناپاک همانند درخت خبیث و ناپاک و بی ریشه‌ای است که از روی زمین کنده شده و در برابر طوفان‌ها هر روز به گوشه‌ای پرتاب می‌شود و قرار و ثباتی برای آن نیست. کلمه خبیثه همان کلمه کفر و شرک، همان گفتار زشت و شوم، همان برنامه‌های گمراه کننده و غلط، همان انسان‌های ناپاک و آلوده و خلاصه هر چیز خبیث و ناپاک است.

بدیهی است درخت زشت و شومی که ریشه آن کنده شده، نه رشدی دارد، نه ترقی و تکاملی، نه گل و میوه‌ای، و نه سایه و منظره و نه ثبات و استقرار. قطعه چوبی است که جز به درد سوزاندن و آتش زدن نمی‌خورد، مانع راه است و مزاحم رهروان و گاه گزنده، مجروح کننده و مردم آزار است! خداوند سبحان غیر از این زندگی دنیایی، زندگی دیگری را برای انسان مطرح می‌کند که نتیجه آن کمال وجود آدمی و تحقق بخشیدن اغراض روحی و معنوی انسان است. خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اجابت کنید خدا و رسولش را زمانی که شما را می‌خوانند بدانچه زنده‌تان می‌سازد، و بدانید که خدا حائل میان آدمی و دل اوست و اینکه به سوی او محشور می‌شوید.» (انفال: ۲۴) این آیه به روشنی از حیات برای کسانی که خود دارای حیات‌اند سخن به میان آورده است. طبیعتاً حیات موردنظر باید غیر از حیات معمول برای انسان‌ها باشد. شهید مطهری در این باره می‌نویسند:

«یکی از آیاتی که رسماً مردم را به دو دسته منقسم کرده است، دسته زندگان و دسته مردگان، و قرآن را عامل حیات و پیغمبر را محیی، یعنی حیات بخش و زنده کننده معرفی کرده است، آیه ای است که شاید صریح ترین آیات قرآن در این مورد است؛ می فرماید: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ"؛ ... می گوید این پیغمبر برای شما حیات و زندگی آورده است. شما الآن مرده اید، خودتان نمی فهمید؛ بیاید تسلیم این طبیب روحانی مسیحادم بشوید تا ببینید چگونه به شما زندگی می دهد.» (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۲۵: ۴۴۹)

از دیگر مؤلفه های زمینه ساز تحقق حیات طیبیه در انسان، ایمان و عمل صالح است. خداوند متعال می - فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ هرکس از مرد یا زن کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه ای حیات بخشیم و مسلماً به آنان اجر بهتر از آنچه انجام می دادند، دهیم.» (نحل: ۹۷)

آیه شریفه به صراحت بیان می دارد که حیات طیبیه وابسته به ایمان و عمل صالح، و این دو از زمینه های اعدادی و بسترهای اصلی حیات معنوی و طیب هستند. از دیگر مؤلفه های زمینه ساز تعالی معنوی و تحقق حیات طیبیه در انسان، شکوفایی عقل و خرد انسانی است. عقل سرمایه بنیادین نهفته در انسان و پایه و اساس شخصیت اوست؛ هرکسی به میزانی که این سرمایه را شکوفا سازد، به همان میزان به تعالی معنوی و حیات طیبیه واصل می شود. امام صادق (ع) می فرماید:

«پایه شخصیت انسان عقل است و هوش و فهم و حافظه و علم از عقل سرچشمه می گیرند. عقل، انسان را کامل کند و رهنما و بینایی بخش او و کلید امور اوست، و چون [کسی] عقلش به نور خدایی مؤید باشد، دانشمند و حافظ و متذکر و باهوش و فهمیده باشد و از این رو بداند چگونه و چرا و از کجاست و خیرخواه و بدخواه خود را بشناسد و چون آن را شناخت، روش زندگی و عوامل پیوند و نیز جدایی بخش خویش را بشناسد و در یگانگی خدا و اعتراف به فرمانش مخلص شود و چون چنین کند، [سرمایه های] ازدست رفته را جبران کرده و بر آینده مسلط گردد و بداند از کجا آمده و آمدنش بهر چه بوده و به کجا می رود؟ اینها همه از تأییدات عقل است.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۲۵)

از آنچه بیان گشت روشن شد که حیات طیبیه نشأت گرفته از روحی جدید در انسان است. مراد از روح مذکور همان «روح الایمان» است که با اجابت دعوت خدا و رسول و با ایمان و عمل صالح و همچنین شکوفایی عقل، از جانب خدا افاضه شده و بر شاخسارش شکوفه های حیات طیبیه می شکفد. پس به طور خلاصه می توان گفت: اعمال انسان میوه های وجود انسان است، اخلاق انسان شاخه های وجود انسان

است، عقاید انسان ریشه‌های درخت وجود انسان است و اساساً روح انسان جز یک درخت نیست. یک درخت پر ریشه، پرشاخه، پرمیوه و پر برگ، درختی که در این دنیا انسان باید خودش پیوند بزند و در این دنیا است که این درخت، درخت طوبی یا زقوم می‌شود. از این‌رو، مثال‌های یادشده (و تشبیه مؤمن به درختی پاک و استوار و کافر به درختی خبیث و بی ریشه) صرفاً در حد یک مثال و تشبیه نیست، بلکه از یک حقیقت مهم و اصلی ثابت و تحقق‌یافتنی در زندگی و سبک زندگی حکایت دارد.

تمدن اسلامی و فناوری

بحثی که در اینجا مورد نظر است، رابطه تمدن اسلامی و فناوری است. روشن است که اسلام یک دین عقلانی و مؤید عقل است و اگر مواجهه‌ای با پدیده‌های گوناگون، به‌ویژه پدیده‌های نوظهور دارد مواجهه‌ای با پشتوانه عقلانی قوی است. بر همین اساس، اسلام با اصل فناوری به‌عنوان ابزاری برای بهبود زندگی هیچ مشکلی ندارد بلکه آن را برای آبادانی این دنیا و ارتقای مادی و معنوی زندگی انسان و جامعه انسانی لازم می‌داند. واقعیت این است که هیچ‌گونه سازگاری میان خط اصیل اسلام و فقر، درد، دشواری، بی‌نظمی و مانند اینها قابل مشاهده نیست؛ بنابراین اگر گسترش فناوری بتواند به کاهش فقر، از بین بردن دردها، ایجاد سهولت و نظم اجتماعی منجر شود و در مجموع به زمینه‌سازی و رفع موانع برای رشد و تعالی روحی انسان کمک کند، نه تنها مورد تأیید که دستیابی به آن مورد تأکید اسلام نیز هست. بعضی‌ها با حصر فناوری در عالم مدرن و نگاه غلط به رابطه دین و دنیا و تصور اینکه فناوری لزوماً به دنیاپرستی ختم می‌شود، مطلق فناوری را بدون هیچ قیدی، یک امر ضد دینی توصیف می‌کنند. این در حالی است که نه برداشت آنان از فناوری صحیح است و نه دنیای موردنظر آنها با دنیای موردنظر اسلام همسو است. آنچه مسلم است، در اسلام بهره‌گیری از دنیا و مواهب آن مذموم نیست بلکه آنچه مذموم است، فراموش کردن مقصد اصلی و ماندن در این دنیا است که از آن به دنیازدگی یا اگر همراه با شرک باشد، دنیاپرستی تعبیر می‌کنیم.

باتوجه به اهمیت تکنولوژی در توسعه جوامع، در جامعه ما نیز در سال‌های اخیر به تکنولوژی و فناوری توجه زیادی شده است. ولی در این رابطه آسیب‌های جدی وجود دارد که ضروری است به ریشه‌یابی آن پرداخته شود. بروز آسیب‌های نوظهور می‌تواند زمینه‌ساز نوع جدیدی از آسیب‌های اجتماعی و روانی باشد. به همین دلیل، برنامه ریزی برای شناسایی، پیشگیری و کاهش آسیب‌های نوظهور لازم و ضروری است. آسیب‌های نوظهور، آسیب‌های مرتبط با فناوری‌های جدید است.

مرز میان فناوری خوب و بد

در ادامه، مرزهای اصلی فناوری‌های ارزشمند و مفید از فناوری‌های بی‌ارزش و مضر را براساس استنباطی که از خطوط کلی اسلام داریم، بیان خواهیم کرد.

۱. انطباق با ارزش‌های اخلاقی و احکام شرعی

به یقین فناوری‌هایی در اسلام مقبول و مفید شناخته می‌شود که در کارکرد غالب آن (نه کارکرد نادر و استثنایی)، هیچ‌گونه مغایرت و تضادی با ارزش‌های اخلاقی و احکام شرعی وجود نداشته باشد. البته شناخت عمیق و همه‌جانبه فناوری‌ها و کارکرد آنها به مثابه موضوع‌شناسی، در صدور فتوا یا حکم شرعی، اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد و نباید برداشت‌های سطحی و جزئی‌نگرانه، به مقابل هم قراردادن احکام شرعی و بعضی فناوری‌ها منجر شود.

۲. دوستی و همراهی حقیقی با محیط زیست

این یک اصل غیرقابل برگشت است که هر فناوری که آتی یا تدریجی به محیط زیست انسان‌ها ضربات مهلک و غیر قابل جبرانی بزند و در عمل، بشر را به مسیر اسراف‌گری، تضییع منابع طبیعی، خارج کردن محیط زیست از توازن و تعادل و به تبع آن، نادیده گرفتن حقوق دیگران وارد کند، مورد تأیید اسلام نیست؛ درواقع، قرآن مجید در آیات متعددی مانند سوره بقره آیه ۱۶۸ می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا؛ ای مردم از آنچه در زمین است بخورید، درحالی که حلال و پاکیزه است»؛ در طرف دیگر، قرآن در مواردی همچون سوره بقره آیه ۶۰ تأکید می‌کند که «كُلُوا وَ اشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَ لَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ؛ از روزی‌های الهی بخورید و بیاشامید و در زمین فساد نکنید!»؛ درواقع، منطقه ممنوعه در بهره‌گیری از دنیا، فساد است.

۳. دور نکردن بشر از حقیقت زندگی

فناوری خوب نه تنها نباید زندگی انسان را به بازیچه تبدیل کند که باید باب غفلت بشر درباره حقیقت زندگی‌اش را ببندد. امیرالمؤمنین امام علی ۷ می‌فرمایند: «كفى بالرجل غفلة أن يضيع عمره فيما لا يُنْجيه» (محمدری شهری، ۱۳۸۴، ج: ۸، ۱۵۳۳)؛ یعنی برای غفلت انسان همین بس که عمر خود را در چیزی که مایه نجات او نیست صرف کند؛ بنابراین از نظر اسلام، فناوری‌هایی که مستقیم و غیرمستقیم بشر را به سمت پوچی و بی‌معنایی سوق می‌دهند یا آن را از سیر خود از مبدأ به معاد دچار غفلت می‌کنند، فناوری‌های مضر شناخته می‌شوند، همچنان که قرآن مجید در سوره یونس آیه ۷ به مثابه یک قاعده کلی می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَ رَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ اطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ

آيَاتِنَا غَافِلُونَ؛ آنها که ایمان به ملاقات ما (و روز رستاخیز) ندارند، و به زندگی دنیا خشنود شدند و بر آن تکیه کردند، و آنها که از آیات ما غافل اند.»

۴. حفظ کرامت انسانی

اسلام آمده است تا به انسان کرامت دهد، قرآن مجید در سوره اسراء آیه ۷۰ می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوُجُوهِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا؛ ما آدمیزادگان را گرامی داشتیم و آنها را در خشکی و دریا (بر مرکب‌های راهوار) حمل کردیم و از انواع روزی‌های پاکیزه به آنان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم.»

با این وصف، انسان موردنظر اسلام، موجودی با شرافت است و اگر فناوری به این شرافت و کرامت انسانی خدشه وارد کند و ضمن تحقیر و تخفیف انسان، حقوق عمومی و مسلم انسان را ضایع کند، حتماً از نظر اسلام قابل قبول نیست.

۵. اجتناب از رفاه‌زدگی

رفاه با رفاه‌زدگی متفاوت است، رفاه‌زدگی یعنی مواجهه حریصانه و سیری‌ناپذیر با لذایذ دنیوی و فراموش کردن نقش ابزاری رفاه در جهت رسیدن انسان به مقصد. امام علی ۷ می‌فرماید: «آن‌کس که قلب او با دنیاپرستی پیوند خورد، همواره جان‌ش گرفتار سه مشکل خواهد شد: اندوهی رهانشدنی، حرصی جدانشدنی و آرزویی دست‌نیافتنی.» (دشتی، ۱۳۷۹: ۶۷۷)؛ از این منظر، حتماً فناوری‌هایی که انسان و جامعه را وارد مسیر رفاه‌زدگی می‌کنند، مورد تأیید اسلام نیستند.

۶. دوری از سطحی‌گرایی و شیء انگاری زندگی

بعضی از فناوری‌ها ضمن دورکردن انسان از تفکر، عمق‌نگری و عاقبت‌اندیشی، زندگی و مناسبات انسانی را در حد یک شیء و کالای قابل خرید و فروش تنزل می‌دهند که برحسب منافع مادی انسان سیال و قابل جابه‌جایی است. این فناوری‌ها نیز از این جهت که بشر را در تمایلات حیوانی خود متوقف کرده و از حقیقت و گوهر زندگی دور می‌کنند، مقبول اسلام نیستند.

۷. حفظ هویت شخصی بشر

اگر فناوری‌ها با سلب آزادی بشر به سمت یک‌دست‌سازی و کورکردن چشمه استعدادها و ظرفیت‌های متنوع مادی و فرامادی انسان‌ها بروند و به دنبال آن، یک سبک زندگی خاص؛ فارغ از ارزش‌مداری و

حق‌گرایی به انسان‌ها تحمیل کنند، حتماً این جنس از فناوری‌ها در اسلام قابل قبول شناخته نخواهند شد.

۸. مدیریت‌پذیری فناوری

نباید از نظر دور داشت که اگر فناوری بر انسان مسلط شود، اختیار و اراده او برای زندگی و شیوه استفاده از فناوری را سلب کند و نوعی جبر اجتماعی را برای انسان رقم بزند، حتماً این فناوری از نظر اسلام مورد تأیید نیست. همه آنچه در این هشت بند ذکر شد، در عرض هم نیستند بلکه ممکن است بتوان در یک تقسیم‌بندی متفاوت، بعضی از این بندها را ذیل بندهای دیگر قرار داد؛ باین‌حال، هدف از ذکر بعضی موارد به صورت مستقل، نشان دادن اهمیت آنها است. ضمن اینکه به یقین می‌توان به هشت بندی که عرض شد موارد دیگری را هم اضافه کرد؛ مهم این است که بدانیم شرط تولید یا بهره‌گیری از فناوری‌ها، رعایت مرزهایی است که به صراحت به اهم آنها اشاره شد. البته یک مطلب مهم در اینجا، به پیچیدگی‌های حاکم بر فناوری‌های نوظهور برمی‌گردد که درک این مرزها را به غایت دشوار می‌کند. حتی در مواردی، فناوری به عمد عیوب خود را پنهان می‌کند و به دنبال فریب بهره‌بردار است؛ بنابراین، فهم درست ماهیت و کارکرد یک فناوری و لایه‌های پنهان آن در تشخیص مفید یا مضر دانستن آن نقش اساسی دارد.

امکان و مفهوم فناوری اسلامی

بحث آخر، پاسخ به این سؤال است که آیا می‌توان به سمت تولید فناوری‌های اسلامی حرکت کرد که منتج به سبک زندگی سالم باشد؟ اگر پاسخ مثبت است، اسلامی بودن فناوری چه چیزهایی است؟ در پاسخ باید گفت به یک تعبیر، هر فناوری، همین که به شکل ضابطه‌مند در فرایند عقلی متولد شده و به حسن و قبح عقلی پشت نکرده و اخلاقیات را زیر سؤال نبرد، اسلامی است. به تعبیر دیگر، چنانچه یک فناوری مغایرتی با جهان‌بینی و شریعت اسلامی نداشته باشد، اسلامی است و اسلامی بودن در همین حد قابل احراز است. اما به تعبیر سوم - که از نظر محققین دقیق‌تر است -، آن فناوری‌هایی اسلامی هستند که از ابتدا از سوی مسلمانان با هدف تحقق اهداف کلی یا جزیی اسلام متولد می‌شوند و در بطن آنها آنچه برای تحقق این اهداف لازم است، پیش‌بینی شده است. به نظر می‌رسد، اسلامی خواندن این فناوری به صواب نزدیک‌تر است، هرچند این نوع فناوری‌ها، فقط فناوری‌های نرم یا فناوری‌های فرهنگی

نیستند بلکه در ساحت فناوری‌های سخت نیز می‌توان ماهیت و کارکرد آن را به شکل حداکثری با خواسته اسلام منطبق کرد.

ماهیت تکنولوژی

تکنولوژی علاوه بر اینکه ماهیت فرهنگی و اقتصادی دارد، منجر به تولید محصولات فرهنگی و ارتقای سطح دانش جامعه نیز می‌شود و در فعالیتهای اقتصادی، درآمد، اشتغال و رونق اقتصادی را دربر می‌گیرد. توجه به ماهیت سیاسی آن نیز حائز اهمیت است، آنجایی که دولت‌ها و ساختار تشکیلاتی آنها در گسترش تکنولوژی و یا اعمال محدودیت‌ها و موانع تاثیرگذار هستند. در خصوص چگونگی و استفاده از تکنولوژی‌های مناسب و نحوه کاربرد و گسترش آنها در جوامع، باید این نکته را مدنظر قرار داد که تکنولوژی مناسب باید با بنیان‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه‌ای که از آن استفاده می‌نماید سازگار بوده و ماهیت تکنولوژی مناسب این‌گونه است که فایده یا ارزش تکنولوژی آمیخته با قلمرو اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی سرزمینی است که از آن استفاده می‌نماید.

نتیجه‌گیری

باتوجه به مدل طراحی شده و سنجش ابزار اندازه‌گیری (پرسشنامه محقق ساخته) با استفاده از نظر خبرگان و با مطالعه پیشینه پژوهش، پرسشنامه‌ای برای اندازه‌گیری ابعاد تمدن و تکنولوژی طراحی و روی نمونه آماری پژوهش اجرا شد. نمونه آماری شامل ۱۰۰ نفر از کارشناسان حوزه تمدن و فناوری بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی از هفت انتخاب شده بودند. در این مطالعه برای بررسی روایی از روش روایی محتوا (با استفاده از روش CVR) روایی سازه (با استفاده از روش تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی) و پایایی از روش همسانی درونی (با استفاده از آلفای کرونباخ) استفاده شد. برای تحلیل داده‌ها از نسخه 8/8 نرم افزار لیزرل و نسخه 25 نرم افزار SPSS استفاده گردید.

نتایج نشان داد ضریب CVR در هر یک از سؤالات مطلوب بود. همچنین نتایج تحلیل عاملی اکتشافی نشان دهنده ارتباط و تعامل تمدن و تکنولوژی با مولفه‌های مربوطه با تبیین 47 درصد واریانس بود. این عوامل نیز به وسیله تحلیل عاملی تأییدی تصدیق شد (P value برابر با 0.00) و پایایی پرسشنامه نیز با استفاده از روش آلفای کرونباخ 0.853 گزارش و تأیید گردید.

Model Summary				
Model	R	R Square	Adjusted Square	RStd. An error of the Estimate
1	.627 ^a	.393	.001	1.16114
a. Predictors: (Constant), تمدن				

با استفاده از مدل رگرسیون، ۴۰ درصد از پراکندگی متغیر وابسته (تمدن) از طریق متغیر مستقل (فناوری) قابل تبیین است که این مقدار باتوجه به جدول فوق در سطح اطمینان ۹۰ درصد معنادار است.

Coefficients						
Model		Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	t	Sig.
		B	Std. Error	Beta		
1	(Constant)	2.919	.036		8.694	.000
	تمدن	.649	.095	.65	-1.064	.087
a. Dependent Variable: فناوری						

باتوجه به جدول فوق، معادله رگرسیون تأثیر فناوری در تمدن به صورت زیر است:

$$Y = 2.919 + 0/65 \text{ (فناوری)}$$

Correlations			
		فناوری خوب	تمدن خوب
فناوری خوب	Pearson Correlation	1	.695
	Sig. (2-tailed)		.023
	N	126	126

ردیف	ابعاد ده‌گانه مدل	مولفه‌های تمدن - سازی با رویکرد الی الطاغوت و شجره خبیثه	مولفه‌های تمدن - سازی با رویکرد الی الله و شجره طیبه	اثرات واگرایی	اثرات همگرایی	تشریح اثرات تمدن نوین اسلامی بر فناوری (ایجابی و سلبی)
۱	تمدن نوین اسلامی	A	B	C	D	E
۲	تکنولوژی	F	G	H	I	J
۳	تمدن رایج	K	L	M	N	O
۴	واگرایی	P	Q	R	S	T
۵	همگرایی	U	V	W	X	Y
۶	قرون و اعصار	Z	AA	BB	CC	DD
۷	شجره طیبه	EE	FF	GG	HH	II
۸	شجره خبیثه	JJ	KK	LL	MM	NN
۹	دولت اسلامی	OO	PP	QQ	RR	SS
۱۰	بیانیه گام دوم	TT	UU	VV	WW	XX

تمدن خوب	Pearson Correlation	.695	1
	Sig. (2-tailed)	.023	
	N	126	126

ضریب همبستگی پیرسون بین دو متغیر فناوری خوب و تمدن خوب در حدود ۰/۶۹۵ است که این رابطه در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است.

باتوجه به بررسی‌های صورت گرفته، جدول نتایج ده‌گانه تحقیق به شرح ذیل است:

جدول نتایج ده‌گانه و تشریح دستاوردهای تحقیق

توضیحات حروف لاتین در جدول:

A: اومانیزم، سکولاریسم، نهیلیسم، ظلم، ظالمت، گمراهی، کفر، نفاق.

B: ایمان، توحید، حق تعالی، اهل البیت، دین، جهاد.

C: مولفه‌های تمدن‌سازی طاغوتی از مولفه‌های شجره طیبه فاصله گرفته و شکاف زیاده‌تر می‌شود.

D: در تمدن‌سازی همگرایی با شتاب بالا شکاف از وضعیت مطلوب را کم می‌کند.

- E: اثرات تمدن نوین اسلامی، سازنده، امید بخش و جهت دهنده است.
- F: فساد، ابتذال، ناتوی فرهنگی، تخریب.
- G: سرعت، دقت، اثربخشی و کارایی را شتاب می‌دهد.
- H: در هم افزایی مولفه‌های تمدن‌سازی طاغوتی، اثر سلبی و تقویت‌کننده و انهدام جامعه را دارد.
- I: با جهش و خیزش، اثر بخشی و برآورد نیازهای صادق را شتاب می‌دهد.
- J: اثرات مثبت و سازنده تکنولوژی در پیشرفت از جهات اقتصادی، سیاسی، شتاب‌دهنده است و از جهت منفی هشدار دهنده است.
- K: بسته به میزان بهره‌وری از فضایل انسانی اثر اصلاحی دارد ولی همسنگر تخریب است.
- L: از تجربیات آن‌که به یقین برسد استفاده می‌شود.
- M: نسبت به ستون 3 تضعیف‌کننده و در برخی موارد بازدارنده است.
- N: از تجربیات مفیدش که عقلانی و معارض وحی نباشد.
- O: مولفه‌های تجربی و آزمون‌شده که در جهت نیازهای صادق و قابل بهره‌برداری است.
- P: شتاب‌دهنده است.
- Q: می‌توان با تربیت و بهره‌گیری آموزه‌های دینی آن را اصلاح کرد.
- R: بسیار تشدیدکننده و فاصله‌دار از مطلوب است.
- S: تمدن نوین اسلامی می‌تواند واگرایی را اصلاح و نتیجه را به همگرایی مبدل کند.
- T: واگرایی در رویکرد خبیث تشدیدکننده باطل و همین واگرایی از منظر اعراض از باطل سازنده است.
- U: سلبی و بازدارنده است.
- V: هم‌افزایی بالایی دارد.
- W: اثرات سازنده و اصلاح‌کننده دارد.
- X: کلیدی و به‌صورت رمز موفقیت و سازندگی است.
- Y: وحدت، انسجام و همگرایی در مسیر مطلوب با تکنولوژی دقت و سرعت، نیل به مقصود را تسریع می‌کند.
- Z: باعث اتصال مولفه‌های تمدن بدون تعهد شده است، دوری از حق‌مداری.
- AA: روشن‌گرایانه و امید بخش.
- BB: با اومانیسیم، نهیلیسم و سکولاریسم رابطه بده بستانی دارد.

- CC: اثرات خیزشی، پیشرفت و اقتدار داشته است.
- DD: موج اول، دوم، سوم و هم اکنون چهارم بسته به میزان بهره‌دهی ایجابی آن مثبت و از نظر سلبی نامطلوب بوده است.
- EE: روشن‌گرانه و اصلاح‌کننده است.
- FF: شتاب‌دهنده است.
- GG: اصلاح‌کننده و از واگرایی جلوگیری می‌کند.
- HH: بسیار مثبت و آرمان‌گرایانه است.
- II: باتکیه بر مولفه‌های آن و استفاده از تکنولوژی، نیل به تمدن مهدوی را تسریع می‌کند.
- JJ: شتاب‌دهنده و سلبی است.
- KK: گرچه تخریب‌کننده است ولی رویکرد طيبة، بازدارندگی دارد.
- LL: تشدیدکننده است.
- MM: تقویت‌کننده جناح باطل، اما تمدن نوین بازدارندگی دارد.
- NN: باتوجه به مولفه‌های مربوطه در مقابل حق جویان باعث تأخیر به تمدن نوین می‌شود.
- OO: بازدارنده، جهادکننده، مبارزه‌جو و ستم‌کش.
- PP: شتاب‌دهنده، شکوفاکننده و سعادت بخش.
- QQ: با برخورد با عوامل فساد اصلاح‌کننده است.
- RR: شتاب‌دهنده و امیدوارکننده.
- SS: مسیر قطعی استقرار دولت کریمه و عزت بخش به جامعه مهدوی است.
- TT: هشداردهنده، اتمام حجت‌کننده.
- UU: امیددهنده، ضمن تذکر آسیب‌ها، تجربه‌دهنده.
- VV: بازدارنده و اتمام حجت‌کننده.
- WW: به صورت راهبردی خط مشی‌دهنده و تعیین تکلیف‌کننده.
- XX: باتوجه به مولفه‌های جدول در دو بخش آسیب‌شناسی چهل ساله اول و امیددهنده، استمرار مشیت الهی برای تعجیل در ظهور حضرت حجت (عج)
۱. همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود مدلی با ابعاد ده‌گانه طراحی و تأیید شده است.

۲. این مدل ارتباط خود را با مولفه‌های تمدن اسلامی با رویکرد الی الله (شجره طیبه) با ذکر ادبیات از اسناد بالا دستی نمایش داده است.

۳. در این جدول همچنین مولفه‌های تمدن رایج با رویکرد الی الطاغوت (شجره خبیثه) با ذکر ادبیات از اسناد و مدارک بالا دستی نمایش داده است.

۴. هرچه تکنولوژی و فناوری اثرات تخریب کننده داشته باشد، تمدن طاغوتی بیشتر ماهیت خود را نشان می‌دهد.

۵. هرچه قدرت تکنولوژی و فناوری اثرات سازنده داشته باشد، نیل به تمدن نوین اسلامی را مهیتر می‌کند.

۶. برای نیل به تمدن نوین اسلامی و زمینه‌سازی ظهور حضرت ولیعصر (عج) الزامات زیر لازم است:
الف- نهادینه کردن مولفه‌های تمدن نوین اسلامی در ساختار نیروی انسانی، حکمرانی دولت اسلامی؛
ب- لزوم فعال‌تر شدن دستگاه‌های فرهنگی به خصوص در دولت سیزدهم به عنوان یک فرصت در تحقق بند قبلی؛

ج- فعال کردن شورای عالی فضای مجازی برای برخورد با تهاجم فرهنگی و تقویت اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی در فضای مجازی؛

د- با استفاده از سیره رسول اکرم ۹ و اولیای معصومین و آموزه‌های امامین انقلاب لازم است موضوع امر به معروف و نهی از منکر برجسته شود؛

ه- با توجه به آثار دوسویه مولفه‌ها باید فاصله تا وضع مطلوب را از میان برداشت.
تغییرات تکنولوژیکی، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را تحت تأثیر خود قرار داده است. یکی از چالش‌های فرا روی فرهنگ‌ها، برخورد با این پدیده است. چون اساساً ورود تکنولوژی همراه با ارزش‌های غربی، چالش‌های جدیدی را در کشورهای دیگر به وجود آورده است. چراکه برخی از عناصر موجود در این پدیده مغایر با فرهنگ خودی (ارزش‌های اسلامی - ایرانی) است. داشتن شیوه زندگی اسلامی، بسترساز تمدن نوین اسلامی و پیشرفت همه جانبه است، رسیدن به این شیوه زندگی و عمل به آن اهمیت خود را بهتر نشان می‌دهد. یکی از عوامل بسیار مؤثر بر شیوه و مشی زندگی، تربیت فردی و اجتماعی با کنترل مولفه‌های مؤثر بر آن از جمله تکنولوژی و فناوری است.

وقتی کودکی را خردورز پرورش دهیم، نهادینه کردن و آموزش آموزه‌های دینی در او بسیار آسان‌تر است. در این صورت است که به آسانی می‌توان برای او سؤال ایجاد کرد که این نظم آفرینش ساخته کدام ناظم

است؟ و با همین سؤال ساده، استدلال‌های عقلی و همه فهم دینی را ادامه داد که کاربرد تکنولوژی مناسب برای رشد جامعه از ابزارهای توسعه تمدن نوین اسلامی به حساب می‌آید. تکنولوژی بر پایه علم نافع به دنبال گسترش رفاه و آسایش برای آحاد بشری در جامعه است و علاوه بر رعایت مولفه‌های اخلاق بر تحکیم آنها در جامعه نیز اصرار می‌ورزد که از نمونه های آن می‌توان به تکنولوژی دریافت و نگهداشت سلول‌های بنیادی در کاهش آلام نیازمندان و دردمندان اشاره نمود. همچنین باید معنویت را تشریح کرد، معنویتی که از رهبانیت یا عرفان‌های کاذب و انزواگرایانه جدا می‌شود. به همین ترتیب شادابی و نشاط را هم باید تعریف کنیم و رواج باورهای حیات طیبه باعث می‌شود که مسئولیت‌پذیری در قبال دیگران پر رنگ‌تر شود و پایه‌های اخلاق در جامعه استوارتر گردد. حرکت به سمت علم و تکنولوژی ربانی را می‌توان در جوشش و جنبش مسلمین در پایه‌گذاری مدینه فاضله که متکی بر اثرات شجره طیبه بوده پیدا کرد که با عنایات حضرت حق، انقلاب اسلامی که در آستانه برپایی تمدن اسلامی و با رویکرد تهذیب و تعلیم و تربیت علیرغم فراز و نشیب‌هایی که در گذشته اتفاق افتاده، به دنبال تولید علم و فناوری با نگرش اسلامی است و به همین منظور در مهندسی فرهنگی و فناوری کشور شورای عالی انقلاب فرهنگی مسئولیت تأمین این منظور را در نقشه جامع علمی و فناوری کشور دارد و تلاش‌ها در این جهت متمرکز شده است.

منابع

قرآن مجید.

آشوری، داریوش (۱۳۷۹). *تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ*، تهران: نشر آگه.

الویری، مرتضی، و مهدی نژاد، سیدرضا (۱۳۹۲). «رابطه دین و تمدن در اندیشه مالک بن نبی»، *تاریخ و تمدن اسلامی*، ص ۱۹۱-۱۶۳.

پیمان، حبیب‌الله (۱۳۴۰). *برداشت‌هایی درباره فلسفه تاریخ از دیدگاه قرآن*، تهران: دریاچه نو.

جسپ، لئوناردو، و لاسیچ (۱۳۹۸). *اعصار کتاب سیستم‌های اطلاعات*، ترجمه ژوزف قربانی زاده، تهران: انتشارات بازتاب.

دورانت، ویل (۱۳۸۴). *دفاع از هند*، تهران: امید ایرانیان.

زمانی‌محبوب، حبیب (۱۳۹۰). «نوسازی تمدن اسلامی»، *تاریخ درآینه پژوهش*، س ۸، ش ۱، صص ۱۳۵-۱۱۷.

شریف الرضی، محمدبن حسین (۱۳۸۷). *نهج البلاغه*، ترجمه محمد دشتی، تهران: بی نا.
 شجاعی جشوقانی، مالک (۱۴۰۰). *سنت گرایان و مسئله علم در تمدن اسلامی (مطالعه موردی آرای علم شناختی دکتر سید حسین نصر)*، نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، صص ۹۵-۶۱.
 فرمehنی، محسن (۱۳۹۵). «الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی» *فصلنامه مطالعات ملی*، ش ۱۷، صص ۸۷-۱۱۱.

فیض کاشانی، محمد بن مرتضی (۱۳۶۹). *الوافی*، ج ۲۶، تهران: نشر کتابخانه امام امیرالمومنین علی (ع).

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). *الکافی*، تهران: اسلامیه.
 مجلسی، محمدباقر و بهبودی، محمدباقر (۱۳۸۴). *بحارالانوار*، ج ۶۳-۵۴، تهران: اسلامیه.
 محمدی، رمضان (۱۳۹۹). *تمدن در قرآن*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
 محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۴). *میزان الحکمه*، ج ۸، تهران: پژوهشکده علوم و معارف حدیث.
 مصطفوی، حسن (۱۳۹۹). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، ج ۱۱، تهران: وزارت ارشاد.
 مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). *مجموعه آثار*، ج ۳، تهران: انتشارات صدرا.
 مکی، محمدکاظم (۱۳۸۳). *تمدن اسلامی در عصر عباسی*، ترجمه محمد سپهری، تهران: سمت.
 هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۵). *نظریه برخورد تمدن‌ها و متقلا/نش*، ترجمه مرتضی امیری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، چ ۲.